

علل توسعه‌ی سازمان نظامی دولت پهلوی دوم

محمدجعفر چمنکار*

چکیده

برآیند توسعه‌ی ساختار نظامی ایران بر سه رکن عمده‌ی روح نظامی‌گری رژیم شاهنشاهی، توانمندی اقتصادی حاصل از افزایش ناگهانی قیمت نفت و تأثیرپذیری از استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ و تحولات بین‌المللی در منطقه‌ی خاورمیانه و به‌طور اخص حوزه‌ی راهبردی خلیج‌فارس و دریای عمان استوار بود. هدف از این نوشتار بررسی علل توسعه‌ی شتاب‌آلود سازمان نظامی ایران در دهه‌ی واپسین حکومت پهلوی دوم است. بر این اساس مجموعه‌ای از عوامل بین‌المللی و داخلی به‌صورت مکمل و زنجیروار، این فرآیند و دگردیسی را موجب شدند.

کلیدواژه: دولت پهلوی دوم، سازمان نظامی، توسعه‌ی ارتش، عوامل خارجی، زمینه‌های داخلی.

مقدمه

اساس داده‌گیری پژوهش بر بهره‌گیری از کتب‌ها و مقالات فارسی که در این زمینه بیشتر بر ترجمه تأکید دارد، کتاب‌ها و مقالات فارسی که با وجود خلأهای آشکاری که در این زمینه اهمیت فراوانی دارند، بررسی نشریات، روزنامه‌ها و اسناد آرشیوی است که در این فرآیند دو منبع یادشده‌ی اخیر از جایگاه برجسته‌ای برخوردار هستند. بر این اساس روزنامه‌های گوناگون /اطلاعات، کیهان، آیندگان و رستاخیز به‌صورت روزشمار و تطبیقی از ابتدای سال ۱۳۴۸ش / ۱۹۶۹م تا ۱۳۵۷ش / ۱۹۷۹م بررسی شده‌اند. فرجام چنین فعالیتی دستیابی به مجموعه‌ای گرانبها از مستندات تاریخی بی‌واسطه، توانایی درک فضای سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه‌ی ایران آن زمان و شکل‌گیری تدریجی تفکر و موضع‌گیری نگارشی پژوهشگر بود. مطالعه‌ی اسناد غیرمنتشره در آرشیوهای گوناگون بخش مهم دیگری از این سیر مطالعاتی بود. اسناد آرشیوی در بسیاری از اوقات به علت محرمانه بودن فعالیت‌های نظامی، تنها منابع

* عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه ارومیه. (Southstar_boy@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۲۰، تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲.

۲۲ مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ

اطلاعات‌دهی به جستجوگران در این حیطة هستند. هدف اصلی نگارنده در این نوشتار، بررسی علل تأثیرگذار بر توسعه‌ی سازمان نظامی دولت پهلوی دوم بدون تأکید بر نوع تشکیلات و جزئیات ارکان و زیرمجموعه‌های قوای سه‌گانه آن است.

بررسی این علل و عوامل تسلیح شتاب‌آلود و بی‌سابقه‌ی ارتش ایران را در یک مقطع کوتاه، بین سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ ش نشان می‌داد. بر این اساس بودجه وزارت جنگ ایران که در سال ۱۳۰۸ ش تنها ۱۳/۱۱۸/۴۶۰ تومان بود و در سال ۱۳۴۹ ش به سختی از ۸۸ میلیون دلار تجاوز می‌کرد، در سال ۱۳۵۴ به رقم خیره‌کننده ۶/۳۲۵ میلیارد رسید و درصد افزایش سالانه مخارج نظامی از ۱۷٪ در سال ۱۳۴۹ به ۴۱٪ در سال ۱۳۵۴ افزون گشت و این نمودار تا سال ۱۳۵۷ به‌صورت تصاعدی، افزایش را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۵۵ ش / ۱۹۷۶ م هزینه‌ی نظامی ایران از چین، برزیل، اسرائیل و انگلستان بیشتر بود و در تجهیز شتاب‌آلود آن جنگ‌افزارهایی فوق‌مدرن خریداری گشت که بسیاری از آنها حتی به خط تولید گسترده نرسیده و هنوز در مرحله‌ی طراحی قرار داشتند و منحصراً در اختیار ایران گذارده شدند.

در این پژوهش سعی شده است به سؤال زیر پاسخ داده شود:

چگونه دولت پهلوی دوم که تا اواخر سال ۱۳۴۹ ش / ۱۹۷۰ م به شدت از قلت و ضعف تسلیحات جنگی رنج می‌برد توانست در مدت زمانی اندک به یکی از بزرگترین و پرهزینه‌ترین سازمان‌های نظامی جهان تبدیل شود؟
بر این اساس دگردیسی یادشده تابع مجموعه‌ی عوامل خارجی و داخلی قرار داشته و نبود هر یک می‌توانست مانع از شکل‌گیری چنین ساختار گسترده‌ای شود.

الف - علل و زمینه‌های خارجی

۱- استراتژی شرق سوئز انگلستان و خلأ قدرت در خلیج فارس

در ۱۶ اکتبر ۱۹۶۴ م، حزب کارگر به رهبری هارولد ویلسون^۱ در انگلستان به قدرت رسید. از این تاریخ، نزاع همگانی در باره‌ی راهبرد آینده‌ی بریتانیا در حفظ نیروهای نظامی خود در سرزمین‌های شرق کانال سوئز و خاورمیانه شدت بیشتری یافت.^۲ گسترش نهضت استقلال‌طلبی در مستعمرات، ظهور قدرت‌های جدید جهانی و اوضاع نابسامان اقتصادی انگلیس، این فرایند را تشدید نمود. در ژانویه ۱۹۶۸ م، ویلسون در مجلس عوام گفت:

1. Harold Wilson

۲. نویل، براون (۱۳۷۵)، تاریخ جهان در قرن بیستم، مرتضی کاظمی یزدی، تهران، پازنگ، ص ۲۲۶.

«ما درصدد تخلیه‌ی هرچه سریع‌تر نیروهایمان از شرق دور هستیم که در سال ۱۹۷۱ به پایان می‌رسد. ما همچنین، سعی در تخلیه خلیج فارس در همان تاریخ را داریم»^۱. سخنان ویلسون، سیاست نوی لندن را در قاره‌ی آسیا، موسوم به راهبرد شرق سوئز بنیان گذارد. اساس این راهبرد، تخلیه و عقب‌نشینی نیروهای نظامی بریتانیا از سرزمین‌های شرق کانال سوئز بود که از دیدگاه سیاست خارجی انگلیس، شامل خلیج فارس و دریای عمان، جزیره مصیره در عمان، سنگاپور، جزایر مالدیو، مالزی، بروئی و هنگ کنگ بود.^۲ بدین ترتیب، پاره‌ای از پایگاه‌های نظامی بریتانیا نیز در حوزه‌ی اقیانوس آرام تا سنگاپور حذف شد.^۳ سر ویلیام لوس^۴ فرستاده‌ی ویژه‌ی امور خارجه‌ی انگلستان در خلیج فارس نیز اعلام کرد که دولت بریتانیا تصمیم گرفته است که تا اواخر ۱۹۷۱م، نیروهای خود را از شرق سوئز و خلیج فارس خارج سازد.^۵ خلأ قدرت در خلیج فارس نگرانی عمیق دولتمردان آمریکا را در این مقطع در پی داشت، رخدادی که می‌توانست به جای آزاد شدن صحنه برای فعالیت بیشتر واشنگتن به رشد و گسترش جنبش‌های آزادی‌بخش و نیروهای طرفدار شوروی در این منطقه استراتژیک منجر شود. مفهوم خلأ قدرت از دیدگاه جهان غرب به معنای آن بود که کشورهای ساحلی به علت فقر امکانات و ناپایداری سیاسی قادر به دفاع از خویش نیستند و برای ادامه‌ی حیات خود به محافظ و سرپرست و یک نیروی میانجی که بتواند در مواقع مناسب در امور داخلی آنان نفوذ نماید، احتیاج دارند.^۶ بنابراین، برای حفظ ثبات و استمرار منافع، همواره باید یکی از قدرت‌های بزرگ جهان غرب در مناطق حیاتی جهان حضور داشته باشد، امری که با توجه به تحولات جهانی، به‌ویژه تلاش برای تنش‌زدایی میان شرق و غرب و پیامدهای سوء اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاصل از نبرد ویتنام در آن مقطع امکان‌پذیر نبود. پس از این دگرگونی‌ها دولت شاهنشاهی ایران، به‌عنوان یکی از کشورهای قدرتمند ساحلی و از هم‌پیمانان مهم آمریکا، با هدف پر نمودن خلأ قدرت در مرکز توجه قرار گرفت. ژوزف سیسکو معاون وزارت امور خارجه در امور خاورمیانه در برابر کنگره گفت:

«آمریکا قصد ندارد برای دفاع از منافع غرب در خلیج فارس جانشین انگلستان شود، لکن تصمیم گرفته است به کشورهای منطقه برای دفاع از خود کمک کند».^۷

1. Divid Long, (1978), *The Persian Gulf*. Westview, Boulder, Colorado, p.70

۲. جناب، محمدعلی (۱۳۴۹)، *خلیج فارس و آشنایی با امارات آن*، تهران، پدیده، ص ۴۳۸.

۳. دلد، اسکندر (۱۳۶۳)، *سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس*، تهران، نوین، ص ۲۲۱.

4. William Liuth

۵. «انگلستان خلیج فارس را تخلیه می‌کند»، *آیندگان*، (۱۳۴۹/۱۱/۱۳)، ص ۴.

۶. ک. پ. میرزا (۱۳۵۵)، *سیاست‌های بین‌المللی در اقیانوس هند*، فاطمه قدیمی‌پور، تهران، دانشگاه تهران، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ص ۹.

۷. «آمریکا در دفاع خلیج فارس درگیر نمی‌شود»، *آیندگان* (۱۳۵۱/۳/۱۸)، ص ۱.

هنری جکسن سناتور و رئیس کمیته انرژی سنای آمریکا نیز اظهار داشت:

«من معتقدم که ایران و عربستان باید ابتکار رهبری خلیج فارس برای نیل به امنیت را به دست گیرند و کشورهای دیگر منطقه را دعوت به همکاری کنند و تنها در سایه این همکاری است که می‌توان یک دوره‌ی طولانی تأمین انرژی سوختی آمریکا و اروپا تضمین شود. آمریکا باید تنها در ارسال کمک‌های نظامی و اقتصادی دخیل باشد»^۱.

دولت شاهنشاهی به سرعت و با اشتیاق فراوان سعی کرد با بهره‌برداری حداکثر از جریان‌های یادشده که تقدیر و سرنوشت آن را در اختیار ایران گذارده بود، پس از سالیان سال حضور بیگانگان در منطقه، با توسعه‌ی سیاسی و نظامی به نقش‌آفرینی نویی در حوزه‌ی خلیج فارس و تنگه هرمز بپردازد. شاه در مراسم پایان تحصیل دوره‌ی چهاردهم دانشکده‌ی ستاد نیروهای مسلح و دوره‌ی هفتم مدیریت و امنیت ملی دانشگاه پدافند ملی، گفت:

«اهمیت ایران طوری است که ما، چه بخواهیم و چه نخواهیم، مسئولیت‌های منطقه‌ای و حتی بین‌المللی کم‌کم به عهده‌ی ما محول خواهد شد و سرنوشت این را می‌خواهد که ایران در آینده‌ی نزدیک عظمتی به دست آورد که در گذشته‌های دور ما با آن آشنا بودیم»^۲.

مجموع این تحولات و وظایف، لزوم تشکیل یک ارتش توانمند و مسلح به جنگ‌افزارهای جدید را در سیاست نظامی ایران تقویت نمود. مجله‌ی *دفاع ملی فرانسه*، در تلاش برای بررسی علل گسترش نیروی دریایی ایران، در فوریه ۱۹۷۶م طی مقاله‌ای نوشت:

«ساختمان پایگاه‌های دریایی در بندرعباس و چابهار در حوالی مرز پاکستان و افزایش چشمگیر نیروی دریایی و هوایی نشانه‌ای از تلاش ایران در پر کردن خلأ قدرت پس از خروج بریتانیا از خلیج فارس است»^۳.

۲- دکترین جدید نیکسون، نظریه‌ی مشارکت اقلیمی

در سال ۱۹۶۸م ریچارد نیکسون به ریاست جمهوری ایالات متحده‌ی آمریکا برگزیده شد و به همراهی و با مشارکت هنری کیسینجر مشاور امنیت ملی و وزیر امور خارجه خود، استراتژی نویی سیاست خارجی دولت واشنگتن را تحت عنوان «دکترین نیکسون» یا «نظریه جایگزینی»

۱. «آمریکا خواهان امنیت خلیج فارس است»، *آیندگان* (۱۳۵۱/۸/۲۹)، ص ۸.

۲. «شاهنشاه در مراسم دانشکده‌ی ستاد»، *ارتش شاهنشاهی* (۱۳۵۴)، ش ۷، ص ۵، همچنین می‌توان در ارتباط با این نگرش شاه، نگاه کرد به: آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، *مستقط و عمان*، ۱۳۵۰-۵۵۰، جبهه ۲۱، پرونده ۵، بخش ۵، ۱۳۵۴/۴/۱۲.

۳. شیخ‌الاسلامی، ج، «آیا اقیانوس هند منطقه صلح باقی خواهد ماند»، *مجله‌ی ارتش شاهنشاهی* (۱۳۵۵)، شماره‌ی ۲، ص ۸.

پایه‌ریزی کرد. بر اساس این نظریه دولت آمریکا هرگونه حمایت مادی و معنوی را از کشورهای دوست و هم‌پیمان در جهان به عمل می‌آورد؛ اما با استفاده از تجارب تلخ کارزارهای خونین و نابودکننده کره و ویتنام از هرگونه اعزام مستقیم نیرو خودداری می‌شد و متحدان خود باید، عامل استفاده از کمک‌های ارسالی و رفع بحران‌های منطقه‌ای باشند.

نیکسون در این باره می‌نویسد:

«دکترین نیکسون به صراحت اعلام داشت که آمریکا به دولت‌هایی که با خطر روبه‌رو هستند کمک خواهد کرد و ابزار نظامی لازم را در اختیار آنان خواهد گذاشت، البته اگر ملل یادشده خواهان پذیرش مسئولیت تدارک اولیه نیروی انسانی لازم برای دفاع از خودشان باشند. ما می‌توانیم با تأمین کمک‌های نظامی و اقتصادی به دوستانمان کاری کنیم که بتوانند از خویشتن دفاع کنند بدون آنکه به فکر به دوش کشیدن بار جنگ برای آنها باشیم»^۱.

کیسینجر نیز در گفت‌وگو با چند تن از دیپلمات‌های شوروی، ضمن تأکید بر این اصل، اظهار داشت:

«اشتباهات گذشته درباره‌ی مسئله‌ی ویتنام و اعزام نیم میلیون سرباز را دیگر تکرار نخواهیم کرد»^۲.

کاهش مقاومت‌های محلی، تقلیل تنش با شوروی در طول جنگ سرد و به‌ویژه کاهش مخارج و هزینه‌های گزاف لشکرکشی‌های مستقیم از دستاوردهای کوتاه‌مدت این راهبرد برای وزارت امور خارجه بود.^۳

۳- سیاست دو ستون

خلاء قدرت در خلیج فارس، نخستین میدان آزمایش جدی را برای نظریه‌ی نیکسون پدید آورد. دولت آمریکا با درک اوضاع جهانی، درباره‌ی مسائل خلیج فارس دو نکته‌ی اساسی را مورد توجه قرار داد:

۱- احتمال به مخاطره افتادن منافع جهان غرب؛

۲- نداشتن امکان دخالت مستقیم به‌عنوان نیروی جایگزین.

۱. نیکسون، ریچارد (۱۳۶۴)، *جنگ واقعی، صلح واقعی*، علیرضا طاهری، تهران، کتابسرا، صص ۳۲۳-۴.

۲. فونتن، آندره (۱۳۶۶)، *یک بستر و دو رؤیا، تاریخ تنش‌زدایی*، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر نو، ص ۱۹۷.

۳. کلیبر، میشل (۱۳۵۸)، *جنگ بی‌پایان، سیاست خارجی آمریکا در جهان سوم*، سعید رجائی خراسانی و محمدعلی مختاری اردکانی، بی‌جا، حکمت، ص ۳۳۶.

بنابراین، سیاستمداران آمریکا با شروع زمزمه‌های خروج انگلستان از خلیج فارس، بر همکاری‌های منطقه‌ای تأکید ورزیدند. ژوزف سیسکو - معاون وقت وزارت امور خارجه‌ی آمریکا در ۲۶ نوامبر ۱۹۶۹م در یکی از کمیته‌های بودجه‌ی مجلس سنا، ضمن اشاره به تحولات خلیج فارس، اظهار داشت:

«کشورهای واقع در خلیج فارس باید برای تأمین پیشرفت و ثبات منطقه، همکاری کرده، اختلافات فیصله نیافته را خودشان حل و فصل کنند»^۱.

همچنین، وی طی سخنانی در کنگره عنوان کرد:

«امریکا قصد ندارد برای دفاع از منافع غرب در خلیج فارس، جانشین انگلستان شود.

لیکن تصمیم گرفته است که به کشورهای منطقه برای دفاع از خود یاری رساند»^۲.

با این مقدمات، دکترین نیکسون بازتاب خود را بر منطقه‌ی خلیج فارس با سیاست دو ستون (سیاست دوقلو)^۳ نشان داد. بر اساس این سیاست، دولت‌های ایران و عربستان، به‌عنوان دو ستون مرکزی در راهبرد جدید آمریکا، وظیفه‌ی رفع خلاء قدرت را در منطقه‌ی خلیج فارس و دریای عمان عهده‌دار شدند.^۴ آمریکا با اعطای کمک‌های همه‌جانبه‌ی اقتصادی و نظامی به این دو کشور، آنان را به‌عنوان ابزار و وسیله‌ی تأمین امنیت و منافع خود در کل منطقه تقویت می‌کرد، بدون آنکه خود احتیاجی به حضور مستقیم داشته باشد. نیکسون با اشاره به این موضوع می‌گوید: «رشد اقتصادی و ایجاد اصلاحات در کشورهای کرانه‌ی خلیج فارس، یکی از مسائل مهم در حفظ و استقرار امنیت و آرامش منطقه است و دو کشور عربستان و ایران می‌توانند با تلاش متعهدانه‌ی خود، آرامش را در خلیج تقویت کنند»^۵.

از میان این دو ستون، انتخاب اول با ایران و توان نظامی آن بود و عربستان در درجه‌ی دوم و بیشتر از دیدگاه تأمین‌کننده‌ی مالی برنامه‌های امنیتی، مورد توجه قرار داشت. عربستان به علل جمعیت اندک، عقب‌ماندگی صنعتی و نداشتن سازمان‌های اداری و سیاسی مستحکم، با وجود ثروت فراوان و درآمدهای حاصل از نفت، نمی‌توانست نیروی اول تأمین‌کننده‌ی منافع جهان غرب باشد.^۶ بدین ترتیب، رژیم پهلوی به‌عنوان ستون اصلی دکترین نیکسون، جایگاه ژاندارمی منطقه‌ی خلیج فارس و دریای عمان را به خود اختصاص داد. دولتمردان ایران که در تاریخ ۱۹

۱. همانجا.

۲. «آمریکا در دفاع خلیج فارس درگیر نمی‌شود»، *آیندگان* (۱۳۵۱/۳/۱۸)، ص ۱.

3. Two Pillar Policy.

۴. نیکسون، ریچارد، (۱۳۷۱)، *فرصت را دریابیم، وظیفه آمریکا در جهانی با یک قدرت، حسین وصی‌نژاد، تهران، طرح نو، ص ۲۶۴*.

۵. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۵۶)، *روابط ایران و غرب، بی‌جا، بی‌نا، ص ۴۶*.

۶. *یک بستر و دو رؤیا، تاریخ تنش‌زدایی، ص ۴۵۶*.

علل توسعه‌ی سازمان نظامی دولت پهلوی دوم ۲۷

آذرماه ۱۳۴۶ / ۳۰ نوامبر ۱۹۶۷، به سرعت و با اشتیاق بسیار، این وظیفه را پذیرفتند. شاه که در سال ۱۳۲۸ طی تلگرافی به حسین علاء سفیر ایران در واشنگتن اعلام کرده بود: «اگر آمریکا کمک نظامی نکند من مسئولیت استقلال ایران را نخواهم داشت»^۱ با اتکاء بر درآمدهای نفتی و حمایت‌های همه‌جانبه‌ی آمریکا خود را آماده پذیرفتن وظیفه‌ی ژاندارمی منطقه کرده بود. شاه در مصاحبه با یک مجله‌ی آمریکایی در ۳۰ دی ماه ۱۳۴۷ / ۲۰ ژانویه ۱۹۶۷ م، اظهار داشت:

«در خلیج فارس، جایی برای قدرت‌های بزرگ نیست. پس از خروج بریتانیا از خلیج نمی‌خواهیم هیچ قدرت بزرگی سعی کند جای آن را بگیرد و ایران از پایان یافتن کمک‌های آمریکا احساس غرور می‌کند».

همزمان با این تحولات بین‌المللی، دولت پهلوی به‌عنوان گزینه‌ی برتر در منطقه‌ی استراتژیک خلیج فارس و دریای عمان به مجموعه‌ای از جدیدترین تولیدات نظامی دست یافت که بدون تردید، همگام با دکترین نیکسون و سیاست دو ستون، آمریکا مؤثرترین منبع برای تأمین این جنگ‌افزارها بود. در ۳۰ و ۳۱ ماه مه ۱۹۷۲ م/ ۹ و ۱۰ خرداد ۱۳۵۱ ش ریچارد نیکسون و هنری کیسینجر، پس از بازگشت از سفر به شرق اروپا، در تهران مذاکرات بسیار مهمی درباره‌ی آینده‌ی ارتش و خریدهای تسلیحاتی ایران با شاه انجام دادند. بر اساس نتایج این دیدار، ایران در خرید هر نوع سلاح نظامی، به غیر از تجهیزات هسته‌ای و کشتار جمعی، که در زرادخانه‌ی آمریکا یافت می‌شد، توانمند گردید.^۲ همچنین هرگونه مشکل اداری، که سد راه توسعه‌ی همکاری‌های نظامی با ایران می‌شد، باید در اسرع وقت برطرف شود. در ۲۵ خرداد ماه ۱۳۵۱ ش هنری کیسینجر یادداشتی به وزارتخانه‌های دفاع و خارجه آمریکا ارسال کرد و در آن رئیس‌مطالب قرارداد فروش اسلحه را که طی دیدار نیکسون در ماه مه با شاه منعقد شده بود یادآور شد. سپس در ۲۵ ژوئیه در یادداشتی فوق‌العاده به همان مقامات چنین عنوان نمود که:

«ریاست جمهوری بار دیگر مقرر می‌دارد که طبق معمول در خریدهای نظامی اهمیت نخست به درخواست ایران داده شود و اگر دولت ایران تصمیم گرفت جنگ‌افزار خریداری کند فروش تجهیزات آمریکایی با در نظر گرفتن نزاکت و در موقع‌شناسی و در زمان مناسب و مقتضی تشویق گردد و راهنمایی‌های تکنیکی که در مورد آن جنگ‌افزار است به آنها داده شود».^۳

۱. غنی، سیروس (۱۳۶۷)، *یادداشت‌های دکتر قاسم غنی*، تهران، زوار، ج ۴، ص ۹۱.

۲. «آمریکا در دفاع خلیج فارس درگیر نمی‌شود»، آیندگان (۱۳۵۱/۳/۱۸)، صص ۱۱ و ۱.

۳. بیل، جیمز آ (۱۳۷۱)، *شیر و عقاب*، «روابط بدفرجام ایران و آمریکا»، فروزنده برلیان، تهران، فاخته، ص ۲۷۶.

این فرمان‌ها ایران را به‌طور قابل ملاحظه‌ای از روند نظارت وزارت دفاع و خارجه آمریکا در زمینه‌ی فروش اسلحه معاف کرده و جایی برای هیچ‌گونه اظهارنظر مؤثر مأموران سازمان‌های مربوط نگذاشته بود.^۱ در ۱۸ مه ۱۹۷۲م/ ۲۸ خرداد ۱۳۵۱ش پنتاگون طی گزارش هشداردهنده‌ای به نیکسون، ضمن ابراز نگرانی از فروش گسترده تجهیزات، توصیه نمود که آمریکا خود را متعهد به فروش جنگنده‌های پیشرفته و بمب‌های هدایت‌شونده لیزری به ایران نکند و پیش از این بر تعداد فراوان مستشاران نظامی نیفزاید.^۲

کمیته‌ی روابط خارجی سنای آمریکا نیز در ژوئیه ۱۹۷۶/ تیرماه ۱۳۵۵ در یادداشتی به وزارت امور خارجه اعلام کرد ایران قادر به جذب این مقدار اسلحه، که در سطح بالای استاندارد جهانی قرار دارد، نیست.^۳ در نتیجه‌ی این تحولات، که دولت شاهنشاهی از آن استقبال زیادی نمود، هزینه‌های نظامی ایران سیر صعودی پیمود. در سال ۱۳۴۹ش ۸۸ میلیون دلار؛ سال ۱۳۵۰: ۱/۰۶۵؛ ۱۳۵۱: ۱/۳۷۵؛ ۱۳۵۲: ۱/۵۲۵؛ ۱۳۵۳: ۳/۶۸ و در سال ۱۳۵۴ به رقم خیره‌کننده ۶/۳۲۵ میلیارد دلار رسید و درصد افزایش سالانه مخارج نظامی از ۱۷٪ در سال ۱۳۴۹ به ۴۱٪ رسید. در سال ۱۹۷۶م/ ۱۳۵۵ش هزینه‌های نظامی ایران با احتساب جمعیت و سوابق جنگی، از چین، برزیل، اسرائیل و انگلستان به‌عنوان قدرتمندان جهانی بسیار بیشتر بود.^۴ ارتش ایران با حمایت بی‌دریغ آمریکا و در جهت سیاست‌های جدید خارجی و نظامی آن به تجهیزات بسیار پیشرفته‌ای مجهز شد که دست یافتن به آن برای بسیاری از دولت‌های هم‌پیمان واشنگتن مشکل و حتی غیر ممکن می‌نمود. در حقیقت، تسلیحات دریافتی ایران از نظر حجم، مقدار و تکنولوژی در میان تمامی کشورهای توسعه‌نیافته نظیر نداشت.^۵ و به‌درستی، رابطه و دوستی با آمریکا به هیچ‌یک از کشورهای خارج از ناتو این امکان را نداده بود که مانند این در مدت‌زمان کوتاه به یک قدرت عمده‌ی نظامی منطقه‌ای تبدیل شود.^۶ تأثیر دکترین نیکسون از زاویه‌ی دیگری نیز به خوبی مشهود است. در تجهیز پرشتاب ایران به جنگ‌افزارهای فوق مدرن گاه محصولات خریداری

۱. همانجا.

۲. همان، ص ۲۷۸.

۳. همانجا.

۴. هالیدی، فرد (۱۳۵۸)، *ایران، دیکتاتوری و توسعه*، محسن یلفانی و علی طلوع، تهران، علم، ص ۸۳.

۵. رواسانی، شاهپور (بی‌تا)، *دولت و حکومت در ایران*، در *دوره‌ی سلطه استعمار سرمایه‌داری*، تهران، نشر شمع، ص ۲۲۸، آرشیو اسناد موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سند شماره‌ی ۳-۲۴-۵۵، مورخ ۱۳۵۴/۶/۳؛ آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره‌ی ۲۵/۱۱/۳۶۳۱/۸، مورخ ۱۳۵۴/۷/۲۷؛ آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره‌ی

۱۳۵۵/۷/۳، مورخ ۱۳۵۵/۸/۱۲؛ آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره‌ی ۶/۷-۹/۲۴-۰۴، مورخ ۱۳۵۵/۷/۳

۶. *ایران، دیکتاتوری و توسعه*، ص ۸۳.

می‌شد که هنوز در مراحل طراحی قرار داشت و به تولید انبوه نرسیده بود، چنان‌که تانک‌های چیفتن^۱ ساخت انگلستان که به نیروی زمینی ایران تحویل داده شد حتی از تعداد تانک‌های کشور سازنده آن نیز بیشتر بود.^۲ یا جنگنده‌های پیشرفته‌ی اف-۱۴، که از سال ۱۳۵۴ش / ۱۹۷۵م به خدمت نیروی هوایی شاهنشاهی درآمد^۳، همزمان هر ماه ۵ یا ۶ فروند از آن نیز به نیروی هوایی و دریایی آمریکا داده می‌شد و این هواپیما هنوز به مرحله تولید گسترده، امتحان بازدهی و قابلیت کامل خود نرسیده بود.^۴ در گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در ژوئیه ۱۹۷۶ / تیر ۱۳۵۵، با اشاره به این موضوع، آمده است:

«جنگنده‌های اف-۱۴ تامکت ۵ ساخت کارخانه گرومن که به ایران تحویل شده است آنقدر از لحاظ الکترونیکی پیچیده است که حتی نیروی دریایی آمریکا با آن به مشکل روبه‌رو است».^۵

امیرعباس هویدا نخست وزیر و وزیر دربار دولت پهلوی، با اشاره به سرعت روند تسلیح و خریدهای نظامی ایران، می‌گوید:

«من به شاه گفتم که چیزهایی ارتش ما می‌خرد آنقدر در انبارها می‌ماند که می‌پوسد چون سفارش‌دهنده‌ها نمی‌دانند چه می‌خرند. شاه گفت می‌دانم؛ ولی چاره نداریم. سعی کنید درباره استفاده از آنها چیز یاد بگیرید».^۶

ایران تا دوره‌ی ریاست‌جمهوری نیکسون و دگرگونی‌های عصر او نمی‌توانست هر سلاحی را که خود نیازمند بود تعیین می‌کرد به‌دست آورد. جرج بال معاون اسبق وزارت امور خارجه آمریکا می‌گوید:

«از سال ۱۹۵۳م / ۱۳۳۲ش، که شاه به قدرت بازگشت، تا سال ۱۳۵۱ / ۱۹۷۲، او را به‌طور کامل تحت نظارت داشتیم. این ما بودیم که می‌گفتیم شما به فلان سلاح احتیاج ندارید یا دارید».^۷

اما در ژوئیه ۱۹۷۲م / ۱۳۵۱ش ریچارد نیکسون رسماً به وزارت دفاع و امور خارجه ابلاغ نمود که دولت ایران انواع سلاح‌های مورد نیاز را خود تعیین خواهد کرد. بدین ترتیب، با برطرف شدن

1. Chieftain

۲. آرکدی، نیکی (۱۳۶۹)، *ریشه‌های انقلاب*، عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم، ص ۲۶۶.

۳. «تحویل نخستین جنگنده اف - ۱۴ به ایران»، *رستاخیز*، (۱۳۵۴/۱۰/۲۱)، ص ۱.

۴. *روابط ایران و غرب*، ص ۲۸.

5. F-14 A Tomcats

۵. بیل، جیمز آ، *سیر و عقاب*، «روابط بدفرجام ایران و آمریکا»، ص ۲۷۸.

۶. «مشروح محاکمه و متن مدافعات هویدا»، *اطلاعات*، (۱۳۵۴/۱/۱۹)، ص ۸.

۷. کدبور، جمیله (۱۳۷۴)، *رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا*، تهران، اطلاعات، ص ۷۴.

عمده‌ترین موانع، جریان ارسال تجهیزات نظامی بسیار پیشرفته به ایران استمرار یافت و در مدت کوتاهی آن‌را به یکی از قوی‌ترین سازمان‌های رزمی جهان تبدیل کرد.

۴- مبارزه با توسعه‌ی نفوذ کمونیسم و رادیکالیسم عرب در خاورمیانه و حوزه‌ی خلیج فارس

استراتژی حکومت‌گران شوروی در توسعه‌ی نفوذ خود در خلیج فارس، ناصریسم و ظهور جنبش‌های چپگرا از مشخصه‌های سیاسی و نظامی خاورمیانه مابین دهه‌های ۵۰ تا اواخر ۷۰ میلادی است. حکومت شاهنشاهی ایران در رویارویی سخت با این جریانات محدودکننده، که همواره با تنش‌های گاه و بی‌گاه و سوءظن و ترس متقابل شدت می‌یافت، قرار داشت. هنوز بیش از دو ماه از طرح مسئله‌ی خروج سربازان انگلیسی از خلیج فارس سپری نشده بود که عناصری از نیروی دریایی شوروی فعالیت و تردد خود را در اقیانوس هند شروع کردند.^۲ گسترش عملکرد شوروی دولت ایران را به شدت دچار ترس و بدبینی نمود. از دیدگاه تهران، توسعه‌ی فعالیت‌های مسکو پیامدهای منفی متعددی چون جایگزینی انگلستان در خلیج فارس و اعمال نفوذ در شبه جزیره‌ی عربستان، توانمندی بیشتر برای صدور ایدئولوژی کمونیستی و تسلیحات به حکومت‌های هم‌پیمان یا عوامل و عناصر شورشی به‌منظور تأمین مقاصد براندازی یا تضعیف قدرت‌های منطقه‌ای را در پی داشت.^۳ دولت شاهنشاهی با وجود آگاهی کامل از میزان تفاوت در توان مقابله نظامی با شوروی، سعی نمود با ارتقای سطح کمی و کیفی ارتش خود، به‌ویژه نیروی دریایی، در یک رویارویی بازدارنده از منافع خود دفاع نماید.^۴ به گفته شاه:

«ایران در این بخش از جهان تنها کشوری بود که می‌توانست چنان قدرت بازدارنده‌ای را تجهیز کند».^۵

سیاست‌های دوگانه‌ی مسکو در خاورمیانه موجب شد که حاکمان ایران همواره هوشیار بمانند، وضعیتی که تا زمان سقوط شاه کمابیش ادامه یافت.^۶ ایران از اواسط دهه‌ی ۵۰ میلادی در

۱. باومن، لاری و کلارک، یان (۱۳۶۹)، *اقیانوس هند در سیاست جهانی*، گروه مترجمان، تهران، قومس، ص ۱۲۹.

۲. «شاهنشاه در مراسم دانشکده ستاد»، *ارتش شاهنشاهی* (۱۳۵۴)، ش ۷، ص ۲۰.

۳. امیری، عباس (۱۳۵۵)، «تقویت نیروی دفاعی ایران ضامن ثبات سیاسی منطقه است»، *مسائل جهان*، س ۴، ش ۸، ص ۲۰.

۴. همانجا.

۵. پهلوی، محمدرضا (بی‌تا)، *پاسخ به تاریخ*، حسین ابوترابیان، تهران، ناشر مترجم کتاب، ص ۲۷۰.

۶. فولر، گراهام (۱۳۷۳)، *قبله ایران، ژئوپلتیک ایران*، عباس مخبر، تهران، تهران، نشر مرکز، ص ۱۸۷.

علل توسعه‌ی سازمان نظامی دولت پهلوی دوم ۳۱

چالشی شدید با کشورهای قرار گرفت که مورد حمایت نظامی مستقیم شوروی بودند. دولت پهلوی در برابر عملکرد و تبلیغات جمال عبدالناصر، که شاه را نسبت به آرمان‌های اعراب خیانتکار می‌دانست و سعی در گسترش فعالیت‌های خود در منطقه‌ی خلیج فارس داشت، جبهه‌گیری کرد. رادیو لندن طی تفسیری از قول روزنامه‌ی گاردین در ابتدای سال ۱۳۵۲، اعلام کرد:

«نیروهای ایران به سواحل خلیج فارس منتقل می‌شوند؛ تهدیدی که از جانب ناصر متوجه جنوب ایران است بیش از تهدیدی است که در شمال احتمال آن می‌رود. در نتیجه، ایران نیروهای خود را در جنوب مستقر می‌کند»^۱.

دولت عربی لیبی نیز، به‌عنوان کشوری مرتبط با شوروی، منافع ایران را در منطقه به چالش می‌خواند. لیبی در چهارچوب یک نظام تبلیغاتی سیاست‌های نظامی دولت شاهنشاهی را به شدت مورد حمله قرار داد.^۲ لیبی در اواخر ۱۳۵۳ ش/۱۹۷۴ م ایران را تهدید به لشکرکشی و نبرد با سربازان ایرانی در خلیج فارس کرد.^۳ جمهوری دمکراتیک یمن جنوبی از ابتدای استقلال در ۲۷ نوامبر ۱۹۶۷ م به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های جنبش‌های ضد دولتی در منطقه‌ی خلیج فارس به فعالیت پرداخت.^۴ یمن جنوبی، با مالکیت تنگه‌ی باب‌المندب و نظارت بر راه‌های دریایی اقیانوس هند و دریای سرخ، از مناطق استراتژیک در خاورمیانه به شمار می‌رفت. دولت عدن به تدریج به مرکزی برای تجمع عناصر متمایل به بلوک شرق و شوروی تبدیل شد. علاوه بر نظامیان شوروی، بیش از ۱۰۰۰ نفر مستشار کوبایی تا سال ۱۳۵۴ ش/۱۹۷۵ م در یمن جنوبی فعالیت می‌کردند که، علاوه بر آموزش سیاسی و نظامی ارتش عدن، وظیفه‌ی پرواز و آموزش میگ‌های روسی ۱۷ و ۲۱ را نیز انجام می‌دادند.^۵ پس از شوروی و کوبا، دولت آلمان شرقی با اعزام ۲۳ مستشار نظامی^۶ و چین با ارسال کمک‌های اقتصادی و نظامی و سیاسی^۷ در تحولات

۱. همان، ص ۲۸۱.

۲. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، ۱۳۵۰-۵۵۰، جعبه ۲۱، پرونده ۵، بخش ۵، «از سفارت ایران در بیروت به وزارت امور خارجه»، ۱۳۵۴/۴/۱۲.

۳. «لیبی می‌خواهد که با سربازان ایرانی بجنگد»، کیهان، (۱۳۵۴/۱/۱۶)، ص ۲؛ آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، ۱۳۵۰-۵۵۰، جعبه ۲۱، پرونده ۵، بخش ۵، «از سفارت ایران در بیروت به وزارت امور خارجه»، ۱۳۵۴/۴/۱۲.

4. David ledger, (1989), *Shifting Sands: the British in South Arabia*. Punesular Publishing , pp. 219-220.

۵. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، ۱۳۵۰-۵۵۰، جعبه ۲۱، پرونده ۲، بخش ۹، سند شماره‌ی ۵۹۴۲، ۱۳۵۴/۱۲/۲۶، آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، ۱۳۵۰-۵۵۰، جعبه ۲۱، پرونده ۲، بخش ۹، سند شماره‌ی ۵۹۴۲، ۱۳۵۴/۱۲/۲۶.

۶. نیروهای واکنش سریع آمریکا، ص ۵۷.

۷. امیدوارنیا، محمدجواد (۱۳۶۹)، چین و خاورمیانه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ص ۳۱۹.

این کشور نقش‌آفرین بودند. همچنین یمن جنوبی ایستگاهی مشخص و امن برای تحرکات کشورهای تندرو عرب چون مصر، لیبی، سوریه و الجزایر به شمار می‌رفت. پاره‌ای از مخالفان دولت شاهنشاهی ایران نیز در این کشور به فعالیت می‌پرداختند. شاه مصاحبه‌ای با فرستاده‌ی ویژه‌ی نشریه‌ی عکاظ عربستان سعودی، اقدامات نظامی ایران را برای جلوگیری از تبدیل خلیج فارس به یک انگولای دیگر دانست.^۱ دولت بعثی عراق جدی‌ترین خطری بود که حکومت شاهنشاهی ایران را در تصمیم‌گیری‌های خود برای توسعه‌ی ساختار نظامی مصمم می‌ساخت.

عراق در بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۴م، به لحاظ واردات سلاح‌های ساخت شوروی، در میان کشورهای جهان مقام سوم را داشت چنان‌که تا پیش از سال ۱۹۷۳م نزدیک به دو میلیارد دلار تجهیزات نظامی خریداری نمود. در سال ۱۹۷۲م پیمان دوستی شوروی و عراق به امضاء رسید و در پی آن همکاری نظامی میان دو کشور گسترش یافت. این افزایش همکاری نظامی میان دو کشور بر طبق ماده ۹ قرارداد دوستی میان آن دو صورت گرفت که تصریح می‌نمود دو طرف قرارداد به گسترش همکاری در جهت تقویت دفاعی یکدیگر ادامه خواهند داد. پس از این قرارداد، صادرات سلاح‌های شوروی به عراق فزونی گرفت. بدین ترتیب، دولت بغداد تا سال ۱۹۷۴م ارتشی مجهز به ۱۳۹۰ دستگاه تانک، ۲۱۸ فروند هواپیما، ۱۰۱ فروند هلی‌کوپتر و دیگر انواع جنگ‌افزارهای نو را در اختیار داشت.^۲ تلاش دولت بغداد در رقابت نظامی و خریدهای کلان تجهیزات، حکومت شاهنشاهی را به شدت دچار بدبینی، ترس و هوشیاری کرد. امیراصلان افشار سفیر ایران در واشنگتن، با اشاره به این موضوع، گفت:

«سلاح‌هایی که ایران از آمریکا می‌خرد بیش از آنچه شوروی به عراق می‌دهد نیست».^۳

عباسعلی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران نیز در مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه‌ی *واشنگتن پست* در سال ۱۹۷۳م اظهار داشت:

«ایران با بی‌میلی وارد مسابقه تسلیحاتی در خلیج فارس شده است و آن هم به علت سرعت یافتن و افزایش زیاد سلاح‌هایی است که شوروی به عراق تحویل می‌دهد».^۴

۱. «کوبا یک انگولای جدید در خلیج فارس تدارک می‌بیند»، *پیغام امروز*، (۱۳۵۵/۱۲/۱۴)، ص ۱۰.

۲. مخله، امیل (۱۳۵۹)، *روابط آمریکا و اعراب در خلیج فارس*، ترجمه‌ی کارو، تهران، سروش، صص ۴۶-۶۰.
Bruce R Kunin olm, (1984), *The Persian Gulf and United States Policy*, Claremont California, p.24

۳. *تاریخ روابط خارجی ایران، از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی*، ص ۲۱۲.

۴. *همانجا*، و مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره‌ی ۱/۸۴۴-۵۰۹-۱۴۵۵، اداره‌ی کل اطلاعات و مطبوعات دربار شاهنشاهی.

در گزارش کاملاً محرمانه از وزارت امور خارجه ایران در این باره آمده است:

«در اختلافات ایران و عراق، که منجر به قطع مناسبات سیاسی دو کشور و اقدامات خصمانه دولت عراق علیه ایران گردید، دولت شوروی، به علت نفوذ در حزب بعث عراق و در زمینه مساعدی که برای توسعه نفوذ خود در آن کشور دارد، تلویحاً حمایت از عراق را در پیش گرفت و عملاً کوشش‌های دولت ایران برای منصرف ساختن دولت شوروی از تعقیب این رویه به نتیجه نرسید و تقویت روزافزون نیروهای مسلح عراق، خصوصاً بعد از انعقاد قرارداد دوستی بین شوروی و عراق، موجبات نگرانی بیشتر دولت شاهنشاهی را فراهم آورد. سکوت شوروی در قبال اعمال خرابکارانه بعثی عراق بیش از پیش، نگرانی به حق دولت ایران را تقویت نمود. تغییر وضع سیاسی منطقه موجب شد که دولت ایران برای تقویت قدرت دفاعی خود و حفظ سیاست منطقه خلیج فارس دست به اقداماتی بزند و از جمله مبادرت به خرید و سفارش مقادیر معتابهی اسلحه از آمریکا بنماید»^۱.

نشریه‌ی اخبار آمریکا و مسائل جهان^۲ نیز در شماره‌ی ۲۲ مارس ۱۹۷۶، با اشاره به تنش‌های میان ایران و عراق و تأثیر آن در تقویت نظامی تهران، نوشت:

«چیزی که در سرلوحه‌ی سیاست دولت قرار دارد این است که ایران به ارتشی مقتدر مجهز گردد، ارتشی که در آسیای غربی بی‌رقیب باشد. این امر تنها به خاطر حفظ و حراست ایران از همسایگان خود که همواره طی تاریخ نسبت به آن رشک برده‌اند نیست؛ بلکه به خاطر تضمین ثبات و آرامش منطقه‌ی نفت‌خیز خلیج فارس نیز هست».

طی چهار سال گذشته، به‌منظور مدرنیزه کردن نیروهای مسلح ایران، مجموعه‌ی بزرگی از سلاح‌های مدرن و تازه خریداری شده است. یکی از مشاورین نزدیک شاهنشاهی می‌گوید:

«ما باید در سایه‌ی پشتکار و کوشش در مقابل دشمنانی که از سلاح‌های شوروی برخوردارند از خود دفاع کنیم. به همین جهت از بهترین سلاح‌ها باید استفاده کنیم»^۳.

اردشیر زاهدی سفیر ایران در آمریکا نیز در مصاحبه‌ای با کارشناسان نظامی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ با اشاره به رقابت تسلیحاتی در منطقه‌ی خاورمیانه، اعلام کرد که ایران راهی جز نیرومندی ندارد.^۴

۱. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱/۳۵۳۲/۳۶-۳۲۴۳-۴۵۱۳-ش، گزارش اداره دوم سیاسی وزارت امور خارجه‌ی دولت شاهنشاهی، آرشیو اسناد حوزه‌ی ریاست جمهوری، سند شماره‌ی ش ب ۱۹۷-ه، ۱۳۵۴/۳/۲.

2. U. S. News and World Reports.

۳. همان، سند شماره‌ی ۱/۹۸۴۴-۵۰۹۸۴۵-د، اداره کل اطلاعات و مطبوعات دربار شاهنشاهی؛ آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره‌ی ۲/۳۷۱۲/۳، مورخ ۱۳۵۲/۶/۳؛ همان آرشیو، سند شماره‌ی ۳۵-۱۸۱۴، مورخ ۱۳۵۳/۳/۱۱؛ همان آرشیو، بولتن شماره‌ی ۲۹۰ خبرگزاری پارس، ۱۳۵۲/۳/۲؛ همان آرشیو، بولتن شماره‌ی ۲۸۶، ۱۳۵۲/۶/۴.

۴. «اردشیر زاهدی: راهی جز نیرومندی بودن نداریم»، رستاخیز، (۱۳۵۷/۲/۲۹)، ص ۲.

ب - علل و زمینه‌های داخلی:

۱- افزایش قیمت جهانی نفت و توانمندی اقتصادی

به اعتقاد شاه توانمندی اقتصادی زاینده‌ی امنیت بود و امنیت نیز جز در سایه گسترش توانمندی نظامی حاصل نمی‌گشت. با آغاز جنگ اکتبر ۱۹۷۳م اعراب و اسرائیل و قطع صادرات نفت کشورهای عرب به آمریکا و اروپای غربی، قیمت فرآورده‌های نفتی به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. در سال‌های بین ژانویه ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴م با افزایش ۳۵۰ درصدی ارزش هر بشکه نفت از ۲/۵۹ دلار به ۱۱/۶۵ دلار رسید. در کنفرانس اعضای اوپک در تهران که در اوایل ژانویه ۱۹۷۴م/ ۱۱ دی ۱۳۵۳ ش برگزار شد به پیشنهاد ایران بهای هر بشکه نفت در حداکثر قیمتی که در نیمه دسامبر ۱۹۷۳ قرار داشت، تعیین شد. ایران در تحریم نفتی اعراب علیه غرب نیز شرکت نکرد. شاه در مصاحبه‌ای با تلویزیون آلمان در ۱۹ آذرماه ۱۳۵۲ با اشاره به این موضوع گفت:

«ما، در تحریم نفتی شرکت نکردیم و نمی‌کردیم و نمی‌کنیم. تحریم سلاحی است که زود کند می‌شود و جهانیان سعی خواهند کرد که نفت کمتری مصرف کنند».

در نتیجه‌ی تحولات جنگ ۱۹۷۳/۱۹۵۲، اعراب و اسرائیل و سیر صعودی قیمت نفت، درآمد ایران از فروش نفت از رقم میلیارد ریال (۲/۳ میلیارد دلار) در سال ۱۹۷۰م به ۱/۷ و ۱/۴۰ میلیارد ریال (۲۰/۷ میلیارد دلار) در سال ۱۹۷۴ رسید. درآمد سرانه نیز از ۲۵۹ دلار به ۲۰۰۰ دلار افزایش یافت.^۱ ایران از اواخر دهه‌ی ۱۳۴۰ش / ۱۹۶۰م کمک‌های مالی آمریکا را که بلاعوض بود نپذیرفت، امری که شاه آن را موجب افتخار می‌دانست. با اتکاء به افزایش درآمدهای نفتی نقش نظامی خود را در منطقه خلیج فارس ایفا نمود، پس از خروج ارتش انگلستان از خلیج فارس و تأکید صریح لندن بر نپذیرفتن هزینه‌ی سنگین نگهداری و حفظ امنیت در این حوزه‌ی استراتژیک و درخواست آشکار از دولت شاهنشاهی برای پذیرفتن این مخارج^۲، نفت و افزایش قیمت آن نمود بیشتری در توسعه‌ی ساختار نظامی ایران یافت. توانمندی اقتصادی ایران در نتیجه‌ی فروش نفت که حتی عنوان رهبر جهان چهارم یا کشورهای ثروتمند صادرکننده نفت را برای آن به ارمغان آورد^۳، موجب شد که هزینه‌های نظامی از ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۷ بیش از ۶۰۰ برابر

1. Kamran M. Dadkhah, (1985), "The In flantionary progress of Iranian Econemy, 1970-1980", *International Journal of Middle East Studies*. vol 17, p.371.

۲. فکور، مرتضی (۱۳۵۵)، «اهمیت تحرک استراتژیکی»، *مجله‌ی ارتش شاهنشاهی*، ش ۲، ص ۳۹.

۳. «ایران قدرت جهانی»، *مسائل جهان*، (۱۳۵۳)، س ۲، ش ۱، ص ۲۹.

علل توسعه‌ی سازمان نظامی دولت پهلوی دوم ۳۵

افزایش یابد و واردات از آمریکا نیز ۱۰ برابر شود.^۱ در سال ۱۹۷۳م در جهان بیش از ۱۵/۰۰۰ میلیون دلار اسلحه به فروش رسید که آمریکا با تجارت ۵/۰۰۰ میلیونی در رتبه‌ی اول قرار داشت.^۲ به نوشته‌ی روزنامه‌ی *اینترنشنال هرالد تریبون* ایران بزرگ‌ترین مشتری در میان خریداران تسلیحات ایالات متحده بود.^۳ اردشیر زاهدی سفیر ایران در واشنگتن در ابتدای بهمن ماه ۱۳۵۵ با تأکید بر توسعه‌ی روابط نظامی ایران با آمریکا گفت:

«حجم روابط تجاری ایران و آمریکا ظرف پنج سال آینده به بیش از ۵۰ میلیارد دلار خواهد رسید که سالانه کمتر از یک/چهارم آن واردات نظامی می‌باشد».^۴

روزنامه‌ی *رستاخیز* نیز در تفسیری با عنوان «ابعاد جدید سیاسی بین‌المللی ایران» در این‌باره نوشت:

«قدرت مالی ایران باعث توازن قدرت، نیرومندی ایران، کمک به جهان سوم و داخل شدن به محدوده ده قدرت برتر جهان حتی پرتوان‌تر از انگلستان می‌گردد».^۵

۲- خوداتکایی دفاعی در سیاست پیش‌بینی آینده

عدم ارائه کمک مؤثر آمریکا به پاکستان در خلال بحران‌های جدید خونین سال‌های ۱۹۶۵ و با هندوستان که نهایتاً به شکست اسلام‌آباد و تجزیه‌ی بخشی از خاک آن کشور منجر شد و درگیری‌های نظامی مرزی با عراق در اواخر دهه‌ی ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ ش از مهم‌ترین عوامل در تشدید این امر و مؤثر بر توسعه‌ی ساختار ارتش ایران بود. در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۹م لیندن جانسن و ریچارد نیکسون رؤسای جمهور آمریکا از اسلام‌آباد دیدار نمودند و مقامات را امیدوار به حمایت سیاسی و نظامی در برابر هندوستان کردند.^۶ اما در کمال ناباوری پاکستان را در نبردهای ۲۲ نوامبر ۱۹۷۱ تا ۳ دسامبر ۱۹۷۱م با هند تنها گذاشتند و این کشور شکست سنگینی را متحمل شد. شاه در مصاحبه با خبرنگار *ساندی تایمز*^۷ در ۱۲ آبان ۱۳۵۴ ش/۲۴ اکتبر ۱۹۶۶م، با اشاره به این مسئله گفت:

۱. مارک جی. گازیورسکی (۱۳۷۶)، *سیاست خارجی آمریکا و شاه بنای دولتی دست‌نشانده در ایران*، فاطمی، فریدون، تهران، نشر مرکز، ص ۱۹۷.

۲. «ایران قدرت جهانی»، *مسائل جهان*، (۱۳۵۳)، س ۲، ش ۱، ص ۳۳.

۳. واسیلیف، الکسی (۱۳۵۸)، *مشعل‌های خلیج فارس*، ایزدی، سیروس، تهران، کتاب‌های جیبی، ص ۴۰.

۴. «مصاحبه اردشیر زاهدی»، *رستاخیز*، (۱۳۵۵/۱۱/۶)، ص ۳.

۵. «ابعاد جدید سیاسی بین‌المللی ایران»، *رستاخیز*، (۱۳۵۴/۲/۲۲)، ص ۷.

۶. س. م. بورک؛ زایرینگ، لارنسن (۱۳۷۷)، *تاریخ روابط خارجی پاکستان*، ایرج وفا، تهران، کویر، ص ۳۷۴.

۷. فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۷۶)، *پاکستان*، تهران، وزارت امور خارجه، ص ۲۱۲.

۳۶ مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ

«حوادث پاکستان نشان داد که ایران نمی‌تواند به اتحاد خود با غرب اتکای کامل داشته باشد».

و در گفت‌وگویی با نشریه‌ی *لندن تایمز* در ژوئن ۱۹۶۹ اظهار داشت:

«اگر عراق فردا به ما حمله کند چه خواهد شد؟ آیا آمریکا و پیمان سنتو برای پشتیبانی ما در برابر چنین حمله‌ای قدمی برخواهند داشت. نه، پس ما نمی‌توانیم برای حفظ امنیت مرزهای خود در برابر خطراتی که ما را تهدید می‌کند به دیگران متکی باشیم و به همین دلیل است که من روی تقویت نیروهای نظامی خود پافشاری می‌کنم».^۱

فریدون هویدا در بررسی سیاست خارجی دولت پهلوی نیز به این مسئله اشاره کرده است.^۲ شاه در جریان مسافرت به انگلستان در تیر ۱۳۵۱ش بر این احتمالات تأکید مجد نمود:

«به هر حال، ما نمی‌توانیم به خود اجازه غافلگیر شدن را بدهیم؛ زیرا ممکن است، در روز ضرورت دوستی که بر او اتکاء می‌کردیم به کمک ما نشتابد. در چنین حالتی کشور ما نباید شکست بخورد. بدین سبب ما سرگرم خرید اسلحه، آن هم از بهترین نوع و از منابع مختلف، هستیم. مقدار زیادی تهیه کرده ایم و تا زمانی که خلع سلاح عمومی صورت نگیرد، ادامه خواهد یافت».^۳

هویدا نخست‌وزیر نیز در مهرماه ۱۳۵۵ با اشاره به این موضوع، تقویت نیروهای مسلح را برای دولت شاهنشاهی حیاتی دانست.^۴

۳- علاقه‌مندی شاه به فرهنگ نظامی گری

نظامی‌گری دولت پهلوی از منظر ایدئولوژیک به آرمانی اشاره می‌کرد که بر اساس آن نیروهای نظامی بر ارکان سیاست و حیات اجتماعی مردم استیلا داشتند. این دیدگاه ارتش‌نیرومند را مساوی با ملت‌قدرتمند می‌دانست. از دیدگاه شاه، ضعف نظامی گناهی نابخشودنی بود.^۵

علاقه‌ی شخصی و فزآینده شاه در گردآوری و مالکیت جنگ‌افزارهای نو، تحت تأثیر عوامل پیشین دیگر، روند توسعه‌ی ارتش ایران را تسریع می‌کرد. او خود را جوهره و محور ارتش ایران می‌دانست.^۶ به نوشته‌ی ماروین زونیس، شاه در سراسر زندگی به هر چیزی که به نیروی هوایی،

۱. روبین، باری (۱۳۶۳)، *جنگ قدرت‌ها در ایران*، محمود مشرقی، تهران، آشتیانی، ص ۱۰۴.
۲. فریدون هویدا، (۱۳۶۵)، *سقوط شاه*، ج. ۱. مهران، تهران، اطلاعات، ص ۱۱۰.
۳. «مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه در لندن»، *ارتش شاهنشاهی*، (۱۳۵۴)، ص ۵.
۴. «هویدا: تقویت نیروهای مسلح برای ما حیاتی است»، *اطلاعات*، (۱۳۵۵/۷/۲۷)، ص ۱.
۵. «شاهنشاه: ضعف نظامی گناهی نابخشودنی است»، *اطلاعات*، (۱۳۵۵/۷/۱۳)، ص ۱.
۶. «روابط بدفراجام ایران و آمریکا»، *شیر و عقاب*، ص ۲۶۸.

هوایما و پرواز مربوط می‌شد دل‌بستگی شدیدی نشان می‌داد.^۱ به گفته‌ی سپهبد امیرحسین ربیعی آخرین فرمانده نیروی هوایی شاهنشاهی، شاه در انعقاد قراردادهای تسلیحاتی هوایی و خرید هوایما همواره نظارت کارشناسی داشت.^۲ شاه صراحتاً در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های داخلی و بین‌المللی، اشتیاق وافر خود را در به دست آوردن سلاح‌های پیشرفته عیان می‌ساخت و به آن مباحثات و فخر می‌ورزید. وی در گفتگویی با خبرنگار اشپیگل آلمان در سال ۱۳۵۳ش/۱۹۷۴م این اشتیاق خود را به خوبی نشان می‌دهد، یا در مصاحبه‌ای با آرنادو بورشگر^۳ سردبیر نیوزویک با افتخار و صریح لیستی بلند از خریدهای نظامی آینده ایران را آشکار ساخت و عنوان کرد که «ما هرگونه سلاح غیر اتمی که آمریکا در اختیار دارد را دریافت می‌کنیم»^۴ یا در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه پدافند ملی، خطاب به آنان گفت:

«ما اسلحه لازم غیر اتمی، آن هم از بهترین نوع آن را، به شما خواهیم داد».^۵

شاه در مصاحبه‌ای با خبرنگاران آمریکایی در مرداد ۱۳۵۵ش اعلام کرد که ارتش ایران به سه برابر اسلحه کنونی نیازمند است و آن را تهیه خواهد کرد.^۶

نتیجه‌گیری

توسعه‌ی نظامی دولت پهلوی دوم از ابتدای دهه ۵۰ ش / ۷۰ به صورت مشهود خود را نشان می‌دهد. این تحول در سازمان جنگی ایران تحت تأثیر شدید مجموعه عوامل بین‌المللی و زمینه‌های مؤثر داخلی شکل گرفت. در این برهه از تاریخ تحولات عمیق در روابط بین‌الملل و رهیافت‌های قدرت‌های عمده‌ی جهان سرمایه‌داری پدیدار گشت که تبعات و بازتاب‌های آن بر سایر نقاط جهان نیز تأثیر گذاشت. اندیشه‌های نو در سیاست خارجی و نظامی دول برتر مطرح شد که ریشه‌هایی عمیق در یک سلسله علل و زمینه‌های اقتصادی، نظامی و اجتماعی داشت و با هدف بهسازی سیاست‌های ناکارآمد داخلی و برون‌مرزی صورت می‌گرفت. استراتژی شرق سوئز انگلستان، نظریه مشارکت اقلیمی و سیاست دو ستون آمریکا از این جمله بودند. دگرگونی‌ها به‌طور مشخص منطقه‌ی استراتژیک خلیج فارس و خاورمیانه و دولت‌های شاهنشاهی محافظه‌کار آن از جمله حکومت پهلوی دوم را هدف قرار داد. دولت پهلوی با بهره‌گیری از تغییرات

۱. زونیس، ماروین (۱۳۷۰)، *شکست شاهانه*، روانشناسی شخصیت شاه، مخبر، عباس، تهران، طرح نو، ص ۱۵.

۲. «دفاعیات ربیعی در دادگاه انقلاب»، *اطلاعات*، (۱۳۵۸/۱/۲۲)، ص ۴.

3. Arnaud de Borchgare

۴. *مشعل‌های خلیج فارس*، ص ۱۴۲-۳.

۵. «تسلیم دیگر در فرهنگ نظامی ایران نیست»، *آیندگان*، (۱۳۵۱/۶/۱)، ص ۱.

۶. «شاهنشاه: ایران به سه برابر اسلحه کنونی احتیاج دارد»، *اطلاعات*، (۱۳۵۵/۵/۲۰)، ص ۱.

۳۸ مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ

استراتژی‌های دول ابرقدرت و افزایش سریع و بی‌سابقه درآمدهای نفتی و مهیا بودن زمینه‌های روانی آن در میان مقامات ارشد رژیم در یک فاصله مابین سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ به‌صورت کاملاً شتاب‌آلود به یک قدرت نظامی عمده دست یافت. نتیجه‌ی این دگردیسی گسترش سازمان جنگی ایران در قوای سه‌گانه، اهمیت فرهنگ نظامی‌گری و افزایش تحرکات و مداخلات نظامی و سیاسی فرامرزی و فرامنطقه‌ای ایران در واپسین دهه‌ی حکومت پهلوی بود. این تحول در ارتباط تنگاتنگ با عوامل خارجی و داخلی شکل گرفت و نبود هر یک از این زمینه‌ها مانع از شکل‌گیری ارتش وسیع ایران در یک مقطع کوتاه بود.

منابع

کتاب‌ها:

- امیدوارنیا، محمدجواد (۱۳۶۹)، *چین و خاورمیانه*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- براون، نویل (۱۳۷۵)، *تاریخ جهان در قرن بیستم*، ترجمه‌ی مرتضی کاظمی یزدی، تهران، پازنگ.
- بورک، س. م؛ زایرینگ، لارنس (۱۳۷۷)، *تاریخ روابط خارجی پاکستان*، ترجمه‌ی ایرج وفا، تهران، کویر.
- باومن، لاری، کلارک، یان (۱۳۶۹)، *اقیانوس هند در سیاست جهانی*، گروه مترجمان زیر نظر همایون الهی، تهران، قومس.
- بیل، جیمز آ (۱۳۷۱)، *شیر و عقاب، روابط بد فرجام ایران و آمریکا*، ترجمه‌ی فروزنده برلیان، تهران، فاخته.
- پهلوی، محمدرضا (بی تا)، *پاسخ به تاریخ*، ترجمه‌ی حسین ابوترابیان، تهران، ناشر مترجم کتاب.
- جناب، محمدعلی (۱۳۴۹)، *خلیج فارس و آشنایی با امارات آن*، تهران، پدیده.
- دلد، اسکندر (۱۳۶۳)، *سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس*، تهران، نوین.
- رواسانی، شاپور (بی تا)، *دولت و حکومت در ایران در دوره‌ی سلطه استعمار سرمایه‌داری*، تهران، شمع.
- روبین، باری (۱۳۶۳)، *جنگ قدرت‌ها در ایران*، محمود مشرفی، تهران، آشتیانی.
- زونیس، ماروین (۱۳۷۰)، *شکست شاهانه، روانشناسی شخصیت شاه*، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران، طرح نو.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۶)، *روابط ایران و غرب*، بی‌جا، بی تا.
- غنی، سیروس (۱۳۶۷)، *یادداشت‌های دکتر قاسم غنی*، تهران، زوار، ج ۴.
- فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۷۶)، *پاکستان*، تهران، وزارت امور خارجه.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳)، *قبله ایران، ژئوپلیتیک ایران*، عباس مخبر، تهران، تهران، نشر مرکز.
- فونتن، آندره (۱۳۶۶)، *یک بستر و دو رؤیا، تاریخ تنش‌زدایی*، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر نو.
- کدی، نیکی آر (۱۳۶۹)، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۴)، *رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا*، تهران، اطلاعات.
- کوردیبر، شرود (۱۳۶۹)، *نیروهای واکنش سریع آمریکا*، گروه مترجمان، تهران، قومس.
- گازیوروسکی، مارک ج (۱۳۷۶)، *سیاست خارجی آمریکا و شاه، بنای دولتی دست‌نشانده در ایران*، ترجمه‌ی فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز.

علل توسعه‌ی سازمان نظامی دولت پهلوی دوم ۳۹

- کلیر، میشل (۱۳۵۸)، *جنگ بی‌پایان، سیاست خارجی آمریکا در جهان سوم*، ترجمه‌ی سعید رجائی خراسانی و محمدعلی مختاری اردکانی، بی‌جا، حکمت.
- نیکسون، ریچارد (۱۳۶۴)، *جنگ واقعی، صلح واقعی*، ترجمه علیرضا طاهری، تهران، کتابسرا.
- نیکسون، ریچارد (۱۳۷۱)، *فرصت را دریابیم*، وظیفه آمریکا در جهانی با یک قدرت، ترجمه‌ی حسین وصی‌نژاد، تهران، طرح نو.
- نخله، امیل (۱۳۵۹)، *روابط آمریکا و اعراب در خلیج فارس*، ترجمه‌ی کارو، تهران، سروش.
- هالیدی، فرد (۱۳۵۸)، *ایران، دیکتاتوری و توسعه*، ترجمه‌ی محسن یلفانی و علی طلوع، تهران، علم.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۸)، *تاریخ روابط خارجی ایران، از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی*، تهران، ناشر مؤلف.
- هویدا، فریدون (۱۳۶۵)، *سقوط شاه*، ترجمه ح. ا. مهران، تهران، اطلاعات.
- واسیلیف، الکسی (۱۳۵۸)، *مشعل‌های خلیج فارس*، ترجمه‌ی سیروس ایزدی، تهران، کتاب‌های جیبی.

مقالات:

- امیری، عباس (۱۳۵۵)، «تقویت نیروی دفاعی ایران ضامن ثبات سیاسی منطقه است»، *مجله‌ی مسائل جهان*، س ۴، ش ۸، آذر.
- شیخ‌الاسلامی، ج (۱۳۵۵)، «آیا اقیانوس هند منطقه صلح باقی خواهد ماند»، *ارتش شاهنشاهی*، ش ۴، خرداد.
- فکور، مرتضی (۱۳۵۵)، «اهمیت تحرک استراتژیکی»، *مجله ارتش شاهنشاهی*، ش ۲، فروردین.

روزنامه‌ها:

- «انگلستان خلیج فارس را تخلیه می‌کند»، *آیندگان* (۱۳۴۹/۱۱/۱۳).
- «آمریکا در دفاع خلیج فارس درگیر نمی‌شود»، *آیندگان* (۱۳۵۱/۳/۱۸).
- «تسلیم دیگر در فرهنگ نظامی ایران نیست»، *آیندگان* (۱۳۵۱/۶/۱).
- «آمریکا خواهان امنیت خلیج فارس است»، *آیندگان* (۱۳۵۱/۸/۲۹).
- «مشروح محاکمه و متن مدافعات هویدا»، *اطلاعات* (۱۳۵۴/۱/۱۹).
- «شاهنشاه: ایران به سه برابر اسلحه کنونی احتیاج دارد»، *اطلاعات* (۱۳۵۵/۵/۲۰).
- «شاهنشاه: ضعف نظامی گناهی نابخشودنی است»، *اطلاعات* (۱۳۵۵/۷/۱۳).
- «هویدا: تقویت نیروهای مسلح برای ما حیاتی است»، *اطلاعات* (۱۳۵۵/۷/۲۷).
- «دفاعیات ربیعی در دادگاه انقلاب»، *اطلاعات* (۱۳۵۸/۱/۲۲).
- «کوبا یک انگولای جدید در خلیج فارس تدارک می‌بیند»، *پیغام امروز* (۱۳۵۵/۱۲/۱۴).
- «ابعاد جدید سیاسی بین‌المللی ایران»، *رستاخیز* (۱۳۵۴/۲/۲۲).
- «تحویل نخستین جنگنده اف ۱۴ به ایران»، *رستاخیز* (۱۳۵۴/۱۰/۲۱).
- «مصاحبه اردشیر زاهدی»، *رستاخیز* (۱۳۵۵/۱۱/۶).
- «اردشیر زاهدی: راهی جز نیرومند بودن نداریم»، *رستاخیز* (۱۳۵۷/۲/۲۹).
- «لیبی می‌خواهد که با سربازان ایرانی بجنگد»، *کیهان* (۱۳۵۴/۱/۱۶).

۴۰ مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ

مجلات:

- «شاهنشاه در مراسم دانشکده ستاد»، *ارتش شاهنشاهی* (۱۳۵۴)، ش ۷، مهر.
- «مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه در لندن»، *ارتش شاهنشاهی* (۱۳۵۴)، مرداد.
- «جنگ‌افزارهای طرفین درگیر در جنگ خلیج فارس»، *صنایع هوایی* (۱۳۸۲)، س ۱۲، ش ۱۴۲، فروردین.
- «ایران قدرت جهانی»، *مسائل جهان* (۱۳۵۳)، س ۲، ش ۱، اردیبهشت.

اسناد:

- آرشیو مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره‌ی ۸۴۴/۱-۵۰۹-۱۴۵، اداره‌ی کل اطلاعات و مطبوعات دربار شاهنشاهی.
- آرشیو مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره‌ی ۱/۳۵۳۲-۳۶-۳۲۴۳-۴۵۱۳-۴، گزارش اداره‌ی دوم سیاسی وزارت امور خارجه‌ی دولت شاهنشاهی.
- آرشیو اسناد بنیاد تاریخ معاصر ایران، سند شماره‌ی ۱۸۴۹-۶۰ مورخ ۱۳۵۱/۱۱/۳.
- آرشیو اسناد بنیاد تاریخ معاصر ایران، سند شماره‌ی ۱۸۸/۴۹/۳۵-۲ غ، مورخ ۱۳۵۴/۱۱/۲۲.
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره‌ی ۲۴۰۴/۹-۶ مورخ ۱۳۵۵/۷/۳.
- آرشیو اسناد بنیاد تاریخ معاصر ایران، سند شماره‌ی ۱/۳۳۳۵-ش، مورخ ۱۳۵۵/۷/۱۳.
- آرشیو اسناد بنیاد تاریخ معاصر ایران، سند شماره‌ی ۸۴۴-۵۰۹، مورخ ۱۳۵۶.
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره‌ی ۱۲۲۷/۳۲-ش، مورخ ۱۳۴۸/۳/۲.
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، ۵۵۰-۱۳۵۰، جبهه ۲۱، پرونده ۵، بخش ۵، ۱۳۵۴/۴/۱۲.
- آرشیو اسناد حوزه‌ی ریاست جمهوری، سند شماره‌ی ش ب ۱۹۷-ه، ۱۳۵۴/۳/۲.
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، ۵۵۰-۱۳۵۰، جبهه ۲۱، پرونده ۵، بخش ۵، «از سفارت ایران در بیروت به وزارت امور خارجه»، ۱۳۵۴/۴/۱۲.
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره‌ی ۸/۳۶۳۱/۱۱/۲۵، مورخ ۱۳۵۴/۷/۲۷.
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، ۵۵۰-۱۳۵۰، جبهه ۲۱، پرونده ۲، بخش ۹، سند شماره ۵۹۴۲، ۱۳۵۴/۱۲/۲۶.
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره‌ی ۵۲/۴۱۲۱/۴۱۳۸/۱۱۱۳، مورخ ۱۳۵۵/۸/۱۲.
- آرشیو اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سند شماره‌ی ۵۵-۳-۲۴ ص، مورخ ۱۳۵۴/۶/۳.
- آرشیو اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سند شماره‌ی ۴۴-۲-۳۷-د، مورخ ۱۳۵۵/۵/۲۰.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بولتن شماره‌ی ۲۹۰ خبرگزاری پارس، ۱۳۵۲/۳/۲.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره‌ی ۲/۳۷۱۲۱/۳، مورخ ۱۳۵۲/۶/۳.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بولتن شماره‌ی ۲۸۶، ۱۳۵۲/۶/۴.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره‌ی ۳۵-۱۸۱۴، مورخ ۱۳۵۳/۳/۱۱.
- آرشیو اسناد لانه جاسوسی، «شوروی، شرق تجاوزگر»، ۱۳۵۸، ج ۴۷، بخش ۱، دانشجویان پیرو خط امام.

منابع لاتین:

1. Dadkhah, Kamran M (1985), The Inflationary Progress of The Iranian Economy, (1970-1980), *International Journal of Middle East Studies*, Vol 17, November.
2. Kuninoh, Bruce R (1984), *The Persian Gulf and United States Policy*, Claremont California.
3. Ledger, David (1989), *Shifting Sands: the British in South Arabia*. Punesular Publishing, London.
4. Long, Divid (1978), *The Persian Gulf*. Westview, Boulder, Colorado.

